

## Predigtlesung

Epheser 5,1-2(2-7)8-9

- 1 چنانکه شایسته فرزندان عزیز خداست، بکوشید که مانند او باشید.
- 2 از روی محبت زندگی کنید و از محبتی که عیسی مسیح با قربانی خویش در راه ما نشان داد، پیروی کنید. او جان خود را مانند هدیه‌ای خوشبو به خدا تقدیم نمود.
- 3 و چنانکه شایسته مقدسین خداست، در میان شما چیزی درباره زنا و بی‌عفتی‌های دیگر و طمع‌کاری بر زبان نیاید.
- 4 پسندیده نیست که سخنان رکیک و یا حرفهای بی‌معنی یا زشت بکار ببرید، بلکه در عوض باید خدا را شکر کنید.
- 5 خاطر جمع باشید که تمام اشخاص زناکار و بی‌عفت یا طمع‌کار (زیرا طمع‌کاری یک نوع بت‌پرستی است.) هرگز در پادشاهی مسیح و خدا سهمی نخواهند داشت.
- 6 اجازه ندهید کسی با دلایل پوچ خود شما را فریب دهد؛ زیرا به علت این چیزهاست که غضب خدا بر افرادی که مطیع او نیستند وارد خواهد آمد.
- 7 پس با چنین اشخاص کاری نداشته باشید.
- 8 شما زمانی در تاریکی بودید اما اکنون در اتحاد خود با خداوند، در نور هستید. پس مانند فرزندان نور زندگی کنید.
- 9 زیرا هر کجا نور باشد، همه‌نوع خوبی، نیکی و حقیقت نیز به وجود می‌آید.

## Okuli

Wer seine Hand an den Pflug legt und sieht zurück, der ist nicht geschickt für das Reich Gottes.

کسی که مشغول شخم زدن باشد و به عقب نگاه کند لیاقت آن را ندارد که برای پادشاهی خدا خدمت کند.

Lukas 9,62

## Eingangspsaln (Introitus)

Gesangbuch: 026 (Seite 96)

من همیشه از خداوند انتظار کمک دارم، او مرا از خطر می‌رهاند.

چشمان خداوند بر نیکان است و گوشهای وی متوجه فریاد آنهاست.

خداوند مخالف مردمان شریر و بدکار است و آثار و خاطره ایشان را از روی زمین محو می‌کند.

خداوند نزدیک شکسته‌دلان است و آنها را از ناامیدی نجات می‌دهد.

رنج و زحمت شخص نیکوکار بسیار است، اما خداوند او را از همه آنها رهایی می‌دهد.

خداوند، خادمان خود را نجات می‌دهد و کسانی را که به او پناه می‌برند، می‌بخشد.

خدا پدر و پسر و روح‌القدس جلال بش.

از اول بود. الان. و تا ابد

Meine Augen sehen stets / auf den HERREN; \* denn er wird meinen Fuß aus / dem Netze ziehen.

Die Augen des HERRN merken auf / die Gerechten \* und seine Ohren / ren auf ihr Schreien.

Das Angesicht des HERRN steht wider al- / le, die Böses tun, \* dass er ihren Namen ausrot- / te von der Erde.

Der HERR ist nahe denen, die zerbro- / chenen Herzens sind, \* und die ein zerschlagenes Gemüt ha- / ben, denen hilft er.

Der Gerechte muss / viel erleiden, \* aber der HERR hilft / ihm aus dem allen.

Der HERR erlöst das Leben / seiner Knechte, \* und alle, die auf ihn trau- / en, werden frei von Schuld.

Ehre sei dem Vater / und dem Sohne\* und dem / Heiligen Geiste,

wie es war im Anfang, / jetzt und immerdar\* und von / Ewigkeit zu Ewigkeit. Amen.

## Lesung aus dem Alten Testament

### 1. Könige 19,1-13a

- 1 اخاب همه کارهایی را که ایلیا کرده بود، برای همسرش ایزابل تعریف کرد که چگونه ایلیا همه انبیای بت بعل را با شمشیر کشت.
- 2 آنگاه ایزابل برای ایلیا پیام فرستاد: «مگر خدایان مرا بکشند، وگرنه تا فردا همین موقع، همان کاری را که با انبیای من کردی با تو خواهم کرد.»
- 3 ایلیا از ترس جانش گریخت و با خدمتکارش به شهر بئرشبع در یهودا رفت و خدمتکارش را در آنجا گذاشت.
- 4 اما خودش یک روز در بیابان راه پیمود و زیر سایه درختی نشست و آرزوی مرگ کرد و گفت: «خدایا، دیگر مرا بس است. جان مرا بگیر، زیرا من از نیاکانم بهتر نیستم.»
- 5 سپس زیر درخت دراز کشید و به خواب رفت. ناگهان فرشته‌ای او را لمس کرد و گفت: «برخیز و بخور!»
- 6 به اطراف نگاه کرد و یک قرص نان، که روی سنگهای داغ پخته شده بود و یک کوزه آب نزدیک سر خود دید. او خورد و نوشید و دوباره دراز کشید.
- 7 فرشته خداوند برای دومین بار آمد و او را لمس کرد و به او گفت: «برخیز و بخور، زیرا سفر برای تو دشوار خواهد بود.»
- 8 او برخاست و خورد و نوشید و چهل شبانه‌روز با نیروی آن خوراک تا به کوه سینا، کوه خدا رفت.
- 9 وارد غاری شد تا شب را در آنجا سپری کند.
- 10 ناگهان خداوند به او گفت: «ایلیا، اینجا چه می‌کنی؟»
- 11 او پاسخ داد: «ای خداوند خدای متعال، من همیشه تو را خدمت کرده‌ام، تنها تو را؛ اما مردم اسرائیل پیمان خود را با تو شکسته‌اند، قربانگاههای تو را ویران کرده‌اند و انبیای تو را کشته‌اند. من تنها باقی مانده‌ام و اینک آنان قصد جان مرا دارند.»
- 12 خداوند به او گفت: «بیرون برو و در بالای کوه نزد من بایست.» آنگاه خداوند از آنجا گذشت و باد شدیدی فرستاد که کوه را شکافت و صخره‌ها را فرو ریخت، اما خداوند در باد نبود. باد از وزیدن ایستاد، آنگاه زلزله شد، اما خداوند در زلزله نبود.
- 13 بعد از زلزله آتش بود، اما خداوند در آتش نبود و بعد از آتش صدای ملایمی شنیده شد.
- 13 هنگامی که ایلیا صدا را شنید، صورت خود را با ردای خویش پوشاند و رفت و در دهانه غار ایستاد.

## Lesung aus einem neutestamentlichen Brief

### Epheser 5,1-8a

- 1 چنانکه شایسته فرزندان عزیز خداست، بکوشید که مانند او باشید.
- 2 از روی محبت زندگی کنید و از محبتی که عیسی مسیح با قربانی خویش در راه ما نشان داد، پیروی کنید. او جان خود را مانند هدیه‌ای خوشبو به خدا تقدیم نمود.
- 3 و چنانکه شایسته مقدسین خداست، در میان شما چیزی درباره زنا و بی‌عفتی‌های دیگر و طمع‌کاری بر زبان نیاید.
- 4 پسندیده نیست که سخنان رکیک و یا حرفهای بی‌معنی یا زشت بکار ببرید، بلکه در عوض باید خدا را شکر کنید.
- 5 خاطرجمع باشید که تمام اشخاص زناکار و بی‌عفت یا طمع‌کار (زیرا طمع‌کاری یک نوع بت‌پرستی است.) هرگز در پادشاهی مسیح و خدا سهمی نخواهند داشت.
- 6 اجازه ندهید کسی با دلایل بوج خود شما را فریب دهد؛ زیرا به علت این چیزهاست که غضب خدا بر افرادی که مطیع او نیستند وارد خواهد آمد.
- 7 پس با چنین اشخاص کاری نداشته باشید.
- 8 شما زمانی در تاریکی بودید اما اکنون در اتحاد خود با خداوند، در نور هستید.

## Evangelium

### Lukas 9,57-62

- 57 در بین راه مردی به او عرض کرد: «هرجا بروی من به دنبال تو می‌آیم.»
- 58 عیسی جواب داد: «روباهان، لانه و پرندگان، اشیانه دارند اما پسر انسان جایی برای سر نهادن ندارد.»
- 59 عیسی به شخص دیگری فرمود: «با من بیا.» اما او جواب داد: «ای آقا، بگذار اول بروم پدرم را به خاک بسپارم.»
- 60 عیسی فرمود: «بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند، تو باید بروی و پادشاهی خدا را در همه‌جا اعلام نمایی.»
- 61 شخص دیگری گفت: «ای آقا، من با تو خواهم آمد اما اجازه بفرما اول با خانواده‌ام خداحافظی کنم.»
- 62 عیسی به او فرمود: «کسی که مشغول شخم زدن باشد و به عقب نگاه کند لیاقت آن را ندارد که برای پادشاهی خدا خدمت کند.»